



”

**پس اولین اهمیت
مجله چاووش،
تلاش برای کنار هم
آمدن شعر و ادب و
تفکر است که با ذوق
و تألیف سازندگان
ممکن شده و شاید
دیگر تولید این گونه
برنامه‌ها آنچنان
به صرفه و امکان‌پذیر
نباشد، ولی به هر
تقدیر همچنان برای
اهالی فرهنگ‌نسی
باقی است**

فهمیده شده و همه چیز در خدمت این فهم است. ما دقیقاً نمی‌دانیم که توسعه ایران چگونه است یا اصلاً راه آن چیست؛ چراکه اگر می‌دانستیم، کشور ما توسعه یافته بود و دیگر مسأله‌ای وجود نداشت. اما خوبی توسعه نیافتگی را می‌شناسیم و در زندگی روزمره خود با عوارض توسعه نیافتگی و قدم نهادن در راه پیشرفت آشنا هستیم. توسعه نیافتگی از جنس کینه با زمان و تاریخ است و باعث می‌شود تا ما عصبانی و متنفر باشیم؛ چراکه توسعه نیافتگی یعنی بیهودگی، و اماندگی و بی تاریخی. توسعه نیافتگی نه رفتن است و نه ماندن، نه اینجاست و نه آنجا، نه عزم عبور است و نه تحمل ساختن.

اینکه من چیزی را دوست دارم یا ندارم یا میلی به این یا آن دارم تغییری در وضع و تاریخی که محقق شده نخواهد داشت پس ضرورت توسعه و پیشرفت برای کشور ما با چند میلیون جوان تحصیلکرده و ظرفیت و استعداد فراوان و البته مشکلات و فساد

شناخته می‌شود. امروز گفت و گو کردن آسان نیست. در میان مردم و حتی خانواده امکان دیالوگ و سخن گفتن هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. در رسانه هم همین‌گریز از گفت و گو و سخت شدن سخن گفتن با «گفت و گو برای مخاطب جذاب نیست» تأیید و دیالوگ سرکوب می‌شود. رسانه امروز ما مخاطب را به دور از دیالوگ و حوصله و فهم فرض می‌کند و اگر سخنی با او دارد، این سخن را مانند دارویی که نیاز به طعم‌دهنده‌های مختلف دارد می‌بیند و نمی‌تواند مسأله مهم و صریح کشور را با فرمی جدی و صریح مطرح کند. در چاووش این در همچنان باز است و گفت و گو و دیالوگ جدی و صریح بسیار قبل از ضبط آغاز می‌شود؛ از تهیه‌کننده تا دبیر و از دبیر تا تحریریه و از تحریریه تا تیم فنی، همه با هم دیالوگ جدی دارند و این واقعا باعث احترام است. از طرفی در چاووش به مخاطب حداکثر احترام گذاشته می‌شود و او یک عامی به دنبال سرگرمی فرض نمی‌شود، بلکه مخاطب فرهیخته‌ای اثرگذار بر وضع کشور